

جلسه اول

روشهای کلیدی در پاسخ دادن به سؤالات ترجمه و تعریب

در گام اول:

اگر تست عبارت باشد آن را به جملات کوچک

تقسیم می کنیم.

۱- بررسی صحت ترجمه ترکیب‌های وصفی و اضافی

الف: ترکیب اضافی

از ۲ جزء تشکیل شده است: $\left. \begin{array}{l} \text{اسم} + \text{اسم} \\ \text{مضاف} + \text{مضاف الیه} \end{array} \right\}$

احکام اسم مضاف:

۱- مضاف ال نمی‌گیرد.

۲- مضاف تنوین نمی‌پذیرد.

سؤال: درختان جنگل يعني:

١) اشجارُ الغابة

٢) الاشجار الغابة

٣) اشجارَ الغابة

٤) اشجارُ غابةٍ

ب: ترکیب وصفی

از ۲ جزء تشکیل شده است:

اسم + صفت
موصوف + صفت

احکام موصوف و صفت:

در ۴ مورد یکدیگر پیروی می کنند:

عدد
جنس
اعراب
معرفه و نکره بودن

سؤال: درخت زیبا یعنی:

(۱) شجرة الجميلة

(۲) الشجرة الجميلة

(۳) الشجرة الجميلة

(۴) شجرة الجميلة

توجه: اسم منسوب در عربی نقش صفت می گیرد:

در چوبی

باب الخشبى

الباب الخشبى

۲- بررسی صحت ترجمه اسم از لحاظ معرفه و نکره

نشانه‌ی اسم نکره در فارسی: ی می باشد.

یکی
یک

سؤال: صدای زیبا یعنی:

۱- صوت الجمیل ۲- صوتٌ جمیلٌ ۳- الصوتُ الجمیل

توجه: ي بعد از الف و واو، ياي ميانجي است و نشانه ي اسم نکره نیست.

چگونه مي توان آن را به یک اسم نکره تبديل کرد:

صدایي زیبا

بویی خوش

سؤال: یک دانش آموز مؤدب آمد.

☐ جاء تلميذٌ مؤدّبٌ

☐ جاء التلميذ المؤدّب

سؤال: دانش آموزی که خارج شد دوستم است.

☐ تلميذٌ الذي خرج صديقي

☐ التلميذ الذي خرج صديقي

۳- ترکیب‌های مرکب در ترجمه: رعایت قاعده‌ی تقدم
مضاف‌الیه بر صفت در عربی یک اسم در آن واحد می‌تواند هم
صفت داشته باشد هم مضاف‌الیه.

مثال: اشعه‌ی نقره‌ای رنگ ماه

بندگان صالح خدا

دانش‌آموز مؤدب کلاس

توجه: در عربی مضاف‌الیه بر صفت مقدم است.

تمرین:

اشعه‌ی نقره‌ای رنگ ماه:

☐ اشعة القمر الفِضیّة

☐ اشعة القمر الفِضیّ

بندگان صالح خدا:

☐ عباد الله الصالحون

☐ عباد الله الصالح

۴- رعایت قاعده ی مفرد-جمع

۵- رعایت قاعده ی کم و زیاد

۶- ترجمه‌ي جملات وصفیه:

ابتدا حرف که را به جمله اضافه می‌کنیم.

سپس بر طبق الگوی زیر جمله را ترجمه می‌کنیم.

فعل پایه + جمله‌ي وصفیه ترجمه

ماضي	ماضي	ماضي بعيد / ماضي ساده
ماضي	مضارع	ماضي استمراري
مضارع	مضارع	مضارع التزامي

مثال: O اشتريت كتاباً رأيتهُ في مكتبة المدرسة.

ترجمه: كتابي را خريدم كه آن را در كتابخانه‌ي مدرسه ديده
بودم. (ديدم)

O سمعتُ نداءً يدعوني إلي الصدق.

ترجمه: ندايي را شنيدم كه مرا به صداقت فرا مي خواند.

O أفتشُ عن كتابٍ يُساعدني في فهم النصوص.

ترجمه: دنبال كتابي مي گردم كه مرا در فهم متون ياري كند.

تكرار سؤالات:

۱) «قد هيّا الطلابُ أنفسهم لامتحان نهاية السنة و قاموا بأداء تكاليفهم»:

(سراسري رياضي ۸۴)

۱) دانش‌جویان، خویش را برای امتحانات پایان سال مهیا کرده بودند، لذا تکاليفي را انجام دادند.

۲) شاگردان برای مهیا کردن خویش برای امتحان پایان سال اقدام به انجام تکاليف خود کردند.

۳) دانش‌آموزان خودشان را برای امتحان پایان سال آماده کردند و به انجام تکاليف خود پرداختند.

۴) دانش‌آموزان برای آماده شدن خود به خاطر امتحانات پایان سال به ادای تکاليف خود اقدام کردند.

۱) دلائل رد گزینه‌های نادرست :

گزینه‌ی « ۱ »: امتحانات به صورت جمع آمده است . «مهیّا کرده بودند» به صورت ماضی بعید معادل «قد هیّا» نیست. لذا معادلی ندارد. تکالیفهم = تکالیفشان نه تکالیفی.

گزینه‌ی « ۲ »: «برای مهیّا کردن خویش» معادلی در جمله‌ی عربی ندارد.

گزینه‌ی « ۴ »: «برای آماده شدن خود» معادلی در جمله‌ی عربی ندارد و «امتحانات» جمع است.

گزینه‌ی « ۳ » صحیح است

٢) « مؤمنان از سلطه‌ي ستمگران نااميد نمي‌شوند، زيرا
مي‌دانند سرانجام حق پيروز است! »: (سراسري تجريبي ٨٤)

١) لن تيأس المؤمنات من سيطرة الظالم لأنّهنّ يعرفن الحقّ غالباً
أخيراً!

٢) المؤمنون لا ييأسون من غلبة الظلمة عليهم و يعرفون الحقّ هو
الغالب أخيراً!

٣) إن المؤمنات لم ييأسن من تسلّط الكفّار و يدركون بأنّ الحقّ هو
الباقي في النهاية!

٤) لا ييأس المؤمنون من سيطرة الظالمين لأنّهم يعلمون أنّ الحقّ هو
المنتصر في النهاية!

۲) علل رد گزینه‌های نادرست :

گزینه‌ی « ۱ » : ستمگران جمع است در حالی که «الظالم» مفرد است. و اخیراً ترجمه‌ی سرانجام نیست و لن تیأس به معنی ناامید نخواهند شد، نادرست است.

گزینه‌ی « ۲ » : علیهم ،معادلی در جمله‌ی فارسی ندارد . / آوردن «و» به جای «زیرا» نادرست است . اخیراً ترجمه‌ی سرانجام نیست.

گزینه‌ی «۳» : الّکفّار، معادل ستمگران نیست . / یدرکون ،

تعریب دقیقی برای «می‌دانند» نیست . / «الباقی» تعریبِ

صحیح برای «پیروز است.» نیست.

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۳) « من أهدافنا المهمة تشجيع الطلاب إلى الاستفادة من فرص الخير »:

(سراسري تجريبي ۸۶)

۱) از اهداف مهم ما تشويق دانش‌آموزان است به استفاده از فرصت‌هاي خوب.

۲) از هدف‌هاي اصلي واداشتن شاگردان به بهره‌وري از فرصت‌هاي نيك مي‌باشد.

۳) استفاده از فرصت‌هاي بهتر از اهداف تشويق دانش‌جويان به امور مهم مي‌باشد.

۴) تشويق دانش‌آموزان در به‌كارگيري خوب از فرصت‌ها از اهداف اساسي ما است.

۳) با توجه به (اهدافنا = هدف‌هایمان) که ضمیر دارد

گزینه‌های «۲» و «۳» حذف می‌گردند. المهمة: به معنی مهم

است که فقط در گزینه‌ی «۱» آمده است.

گزینه‌ی «۴» نیز به خاطر این که (فرصت‌ها) بدون کلمه‌ی (

الخير) آمده است نمی‌تواند درست باشد.

گزینه‌ی «۱» صحیح است

﴿ ۴ ﴾ « إِنَّ سَبَبَ تَقَدُّمِ الْمُسْلِمِينَ الْعِلْمِيِّ تَكْرِيمِ الْإِسْلَامِ الْعِلْمَ وَالْعُلَمَاءَ »:

(سراسري تجريبي ۸۴)

۱) قطعاً پیشرفت علم در نزد مسلمانان، احترام اسلام به دانش و دانشمندان بوده است.

۲) قطعاً علت پیشرفت علمی مسلمانان بزرگ داشتن علم و دانشمندان توسط اسلام است.

۳) بی شک محترم شمردن علم و عالمان در اسلام، باعث پیشروی مسلمانان در علم بوده است.

۴) همانا احترام گذاشتن به دانش و دانش‌پژوهان، باعث پیشرفت علم در نزد مسلمانان شده است.

۴) علل رد گزینه‌های نادرست :

گزینه‌ی « ۱ » و « ۴ » : پیشرفتِ علم در نزد مسلمانان معادلِ «تقدّم المسلمین العلمیّ» نیست زیرا «العلمیّ» صفت تقدّم و المسلمین مضافٌ الیه است. (پیشرفت علمی مسلمانان) / تکریم به معنی بزرگ داشتن است نه احترام .

گزینه‌ی « ۳ » : «محترم شمردن» معادلِ «تکریم» نیست. / «پیشروی مسلمانان در علم» معادلِ «تقدّم المسلمین العلمی» نیست.

گزینه‌ی « ۲ » صحیح است

٥) « مؤمنان از سلطه‌ي ستمگران ناامید نمی‌شوند، زیرا می‌دانند سرانجام حق پیروز است! »: (سراسري تجريبي ٨٤)

١) لن تيأس المؤمنات من سيطرة الظالم لأنهنّ يعرفن الحقّ غالباً أخيراً!

٢) المؤمنون لا ييأسون من غلبة الظلمة عليهم و يعرفون الحقّ هو الغالب أخيراً!

٣) إن المؤمنات لم ييأسن من تسلّط الكفار و يدركون بأنّ الحقّ هو الباقي في النهاية!

٤) لا ييأس المؤمنون من سيطرة الظالمين لأنهم يعلمون أنّ الحقّ هو المنتصر في النهاية!

۵) دوستانم به من گفتند: قالت لي صديقتي (قال لي أصدقائي)
آن‌ها عادت کرده‌اند: إِنَّهُنَّ تَعَوَّدْنَ (إِنَّهُمْ تَعَوَّدُوا) که مطالعه
کنند: أَنْ يُطَالِعْنَ (أَنْ يُطَالِعُوا)

چندبار: کم مرة شب امتحان: ليلة الامتحان.

درگزینہی « ۱ » الأصدقاء، أنتم من عادتكم و يوم الامتحانات
نادرست هستند.

درگزینه‌ی «۳» الأصدقاء (مضاف ال نمی‌گیرد) لِتَطالَعُوا

مضارع مخاطب است و با ضمیر هُم و تَعَوَّدُوا تناسب ندارد.

درگزینه‌ی «۴» فعل مضارع تَتَعَوَّنَ به معنی عادت می‌کنید است

و با ضمیر هُم تناسب ندارد هم‌چنین الامتحان باید مفرد باشد.

گزینه‌ی «۲» صحیح است

﴿ ٦ ﴾ « هنگامي که انسان بر سطح ماه فرود آمد، کشف کرد که آن فقط يك ستاره‌ي سرد و خاموش است! » عَيْن الصَّحِيح:

(سراسري هنر ٨٥)

١) عندما هبط الانسان علي سطح القمر اكتشف بأنّه مجرد كوكبٍ هامدٍ!

٢) لَمَّا يهبط الانسان علي سطح القمر، يكتشفُ بأنّه ليس إلاّ كوكباً هامداً!

٣) حينما الانسان قد نَزَلَ علي وجه القمر، كَشَفَ أَنَّ القمر نجمٌ هامدٌ فقط!

٤) عند نزول الانسان علي سطح القمر، أدرك بأنّه نجمةٌ باردةٌ ظالمةٌ فقط!

۶) موارد نادرست در بقیه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۲»: لَمَّا يَهِيْطُ (لَمَّا + مضارع ← ماضی منفی)
یکتشفُ: کشف می‌کند.

گزینه‌ی «۳»: قَدْ نَزَّلَ عَلٰی وَجْهِ غُلَطٍ هَسْتَنْدُ.

گزینه‌ی «۴»: نَزُولُ (مصدر است نه فعل) و ظالمة به معنی
ستمگر است.

گزینه‌ی «۱» صحیح است

٧) ما هي الترجمة الدقيقة لهذه العبارة؟ «أَفْتَشُ عَنْ

کتابِ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النّصّوصِ» (آزاد ریاضی ۸۴)

۱) دنبال کتابی گشتم که مرا در فهم متون یاری کند.

۲) دنبال کتابی می گشتم که مرا در فهم متون یاری می کرد.

۳) دنبال کتابی می گزدم که مرا در فهم متون یاری کند.

۴) کتابی را بررسی می کنم که به من در فهم متون یاری برساند.

أَفْتَشُّ مَضَارِعَ اسْت (می گردم) و يُسَاعِدُنِي
= مرا یاری کند.

گزینه‌ی «۳» صحیح است

بخش دوم: تمرین بیشتر

٨ « انسان با استفاده از سنن و قوانين غير قابل تغيير در
جهان به هدف خود خواهد رسيد »: (سراسري رياضي ٨٤)

١) بالانتفاع من السنن و القوانين التي لا تتغير يصل الإنسان إلى أهدافه.

٢) سوف يصل الانسان إلى هدفه باستفادته من السنّة و القوانين دون تغيير.

٣) سيصل الانسان إلى غايته بالاستفادة من السنن و القوانين التي لا تتغير في العالم.

٤) الإنسان يتمتع بالسنن والقوانين التي تتغير و سوف يصل إلى الغاية في الدنيا.

۸) علل رد گزینه‌های نادرست :

گزینه‌ی « ۱ » : زمان فعل جمله باید آینده باشد و اهداف جمع است / در جهان، ترجمه نشده است.

گزینه‌ی « ۲ » : ضمیر « ه » در « باستفاده » زائد است. / السنة، مفرد است / غیر قابل تغییر باید به صورت صفت تعریف شود.

گزینه‌ی «۴» : نحوه‌ی تعریف جمله منطبق با جمله‌ی فارسی
نیست. / ضمیر «خود» در «هدف خود» ترجمه نشده است.

گزینه‌ی «۳» صحیح است

٩) « مؤمنان از سلطه‌ي ستمگران ناامید نمی‌شوند، زیرا می‌دانند سرانجام حق پیروز است! »: (سراسري تجريبي ٨٤)

١) لن تيأس المؤمنات من سيطرة الظالم لأنهنّ يعرفن الحقّ غالباً أخيراً!

٢) المؤمنون لا ييأسون من غلبة الظلمة عليهم و يعرفون الحقّ هو الغالب أخيراً!

٣) إن المؤمنات لم ييأسن من تسلّط الكفّار و يدركون بأنّ الحقّ هو الباقي في النهاية!

٤) لا ييأس المؤمنون من سيطرة الظالمين لأنهم يعلمون أنّ الحقّ هو المنتصر في النهاية!

۹) علل رد گزینه‌های نادرست :

گزینه‌ی « ۱ » : ستمگران جمع است در حالی که «الظالم» مفرد است. و اخیراً ترجمه‌ی سرانجام نیست و لن تیأس به معنی ناامید نخواهند شد، نادرست است.

گزینه‌ی « ۲ » : علیهم ،معادلی در جمله‌ی فارسی ندارد. آوردن «و» به جای « زیرا» نادرست است. اخیراً ترجمه‌ی سرانجام نیست.

گزینه‌ی « ۳ » : الگفار، معادل ستمگران نیست.

یدرکون ، تعریب دقیقی برای «می‌دانند» نیست.

«الباقی» تعریب صحیح برای «پیروز است.» نیست.

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۱۰) « مَنْ يَحِثُّ عَنْ نَمَازٍ مِثَالِيَّةٍ لِيَجْعَلَهَا أُسْوَةً لِنَفْسِهِ فلن يضلَّ »:

(سراسري زبان ۸۵)

- ۱) هر کس در پی الگوهايي والا باشد تا آنها را اُسوه‌اي براي خویش قرار دهد گمراه نخواهد شد!
- ۲) اگر کسي در جست‌وجوي الگوهايي باشد و آنها را ملاك عمل خود بداند به گمراهي نمي‌افتد!
- ۳) کسي که به دنبال الگوي نمونه باشد تا آنرا معيار خود قرار بدهد هرگز گمراه نخواهد شد!
- ۴) هرگز کسي که در پی مقتداي والايي باشد تا او را الگوي خود کند گمراه نخواهد شد!

(مَنْ) در این عبارت اسم شرط است. بنابراین به صورت (هر کس) معنی می شود. نماذج مثالیه: الگوهای والا .
(به عبارت دیگر (نماذج) جمع است و باید به صورت جمع معنی شود.)

گزینه‌ی «ا» صحیح است

(١١) « كتابهاي كه مسلمانان تأليف كرده‌اند در همهي
زمينه‌هاي علمي و فكري است. » عَيْن الصَّحِيح:

(سراسري زبان ٨٥)

(١) إِنَّ الْمُسْلِمِينَ قَدْ أَلْفَ كِتَاباً يَكُونُ فِي جَمِيعِ الْمَجَالَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَ
الْفِكْرِيَّةِ.

(٢) قَدْ أَلْفَ الْمُسْلِمِينَ الْكُتُبَ الَّتِي يَكُونُ فِي كُلِّ الْمَجَالَاتِ الْفِكْرِيَّةِ
وَالْعِلْمِيَّةِ.

(٣) الْكُتُبَ الَّتِي قَدْ أَلْفَهَا الْمُسْلِمُونَ إِنَّهَا فِي جَمِيعِ الْمَجَالَاتِ الْعِلْمِيَّةِ
وَالْفِكْرِيَّةِ.

(٤) إِنَّ كُتُبَ الَّتِي قَدْ أَلْفَ الْمُسْلِمُونَ كَانَ فِي كُلِّ الْمَجَالَاتِ الْفِكْرِيَّةِ
وَالْعِلْمِيَّةِ.

۱۱) موارد نادرست در بقیه‌ی گزینه‌ها :

گزینه‌ی « ۱ »: فعل (قَدْ أَلْفَ) چون بعد المسلمین (جمع) آمده است باید به صورت جمع می‌آمد. در ضمن یکن با توجه به التي باید مفرد مؤنث بیاید.

گزینه‌ی « ۲ »: المسلمین (المسلمونَ » فاعل مرفوع است»)

گزینه‌ی «۴» : قد الّف ← (قد الّفها)، (کان) چون به (کتب)
بر می‌گردد باید به صورت (کانت) می‌آمد. هر چند نباید در
جمله بیاید زیرا زمان جمله، حال است.

نکته : در گزینه‌ی (۳) (الکتب) معرفه است ولی چون کلمه بعد
از الّتی (اسم موصول خاص) آمده است به صورت کتاب‌هایی
که ترجمه می‌شود. مثال دیگر : الرجل الذی ← مردی که

...

گزینه‌ی «۳» صحیح است

١٢) عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: « الْمَدْرَسَةُ الَّتِي اكْتَسَبْتُ فِيهَا
أَعْظَمَ الْفَوَائِدِ هِيَ مَدْرَسَةُ الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ » (آزاد تجرّبي ٨٥)

١) مدرسه‌اي که کسب کردم در آن بیش‌ترین سود را مدرسه‌ي مستمندان بود.

٢) مدرسه‌اي که در آن بزرگ‌ترین فائده‌ها را به دست آوردم مدرسه‌ي بیچارگي و مستمندی بود.

٣) بزرگ‌ترین بهره‌ها را در مدرسه‌ي بیچارگي و فقر کسب کردم.

٤) بیش‌ترین سودي را که به دست آوردم در مدرسه‌ي بدبختي و بیچارگي بود.

اعظم الفوائد : بزرگ ترین فائده‌ها جمع

گزینہ‌ی «۲» صحیح است

۱۳) «او از بزرگ‌ترین شعرای زمان خود بود که به دو زبان

فارسی و عربی شعر می‌گفت»: (سراسری ریاضی ۸۶)

۱) إِنَّه كان من أعظم شعراء عصره ينشد الشعر باللّغتين الفارسية و العربية.

۲) هو من كبار الشعراء في زمانه و قد أنشد الشعر باللسانين العربية و الفارسية.

۳) إِنَّه أعظم شاعر في عصره و كان ينشد الأشعار بلغتين الفارسيّ و العربيّ.

۴) هو أكبر شعراء زمانه و كان قد أنشد الأشعار بلسانين العربيّ و الفارسيّ.

کلمه‌ی (شعرای ...) جمع می‌باشد ، و فعل (شعر می‌گفت
(ماضی استمراری است) یعنی باید به صورت (کان ... فعل
مضارع) آورده شود) و این حالت فقط در گزینه‌ی (۱) آمده
است .

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۱۴) «زبان عربي کليد گنج فرهنگ اسلامي است، هرکس
آن را ياد بگيرد، مي يابدش!»: اللغة العربيّة

(سراسري هنر ۸۶)

۱) هو المفتاح لكنز ثقافة الإسلاميّ كلّ من علّمه يجده!

۲) هي مفتاح لكنز الثقافة الإسلاميّة من يتعلّمه يجدها !

۳) مفتاح الكنز لثقافة الإسلاميّ من علمها وجدها !

۴) مفتاح كنز الثقافة الإسلامية من تعلّمها وجده!

الاسلامیّة صفت برای الثقافة است و باید مؤنث بیاید، ضمن
این که تعلّمها صحیح است چون مرجع ضمیر « اللغة العربیّة »
مؤنث است.

گزینہی «۴» صحیح است